

تأثیر محرمات احرام بر تربیت و کنترل نفس

داود حسینی*

چکیده

در تحقیق حاضر به بررسی تأثیر محرمات احرام در تربیت نفس و کنترل آن در ابعاد مختلف پرداخته می‌شود. نتایج این پژوهش - که به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای و با روش توصیفی و تحلیلی انجام گرفته - حاکی از آن است که حرمت محرمات احرام تنها بعد تبعدی ندارد، بلکه هر یک از محرمات احرام در بعدی از کنترل نفس زائر و تربیت غریزه‌ای از غرائز و قوای او نقشی تأثیرگذار دارد و ترک مجموعه این محرمات به تربیت کامل می‌انجامد؛ بنابراین، باید در تمرین خضوع، تواضع و شکسته‌نفسی و خود مهارگری جهت تربیت نفس بکوشیم و به تربیت حس مالکیت جوی و تصرف مطلق، مبارزه با ناز پروردگی کنترل و تربیت غریزه جنسی، کنترل و تربیت غریزه خشم و قوه غضب، کنترل و تربیت میل به خودنمایی و زینت‌گرایی، کنترل گرایش تشخیص‌طلبی و آموزش پاسداشت طبیعت و حیوانات بپردازیم.

کلیدواژه‌ها: احرام، محرمات، حج، خودمهارگری، کنترل نفس.

* . سطح ۴ حوزه علمی، مدیر گروه اخلاق پژوهشکده حج و زیارت / hosseini1343@gmail.com

حج، مجموعه‌ای از اعمال عبادی است که با احرام آغاز می‌شود. این عمل که از ارکان حج است، تصرفات عجیبی در مُحرم ایجاد می‌کند و اختیارات زیادی را که پیشتر داشت، از او می‌گیرد و مجموعه‌ای از بایدهای فقهی را بر حج‌گزار و عمره‌گزار واجب می‌کند. با احرام، اموری بر مُحرم حرام می‌شود که ارتکاب آنها می‌تواند فرد را دچار مشکل کند، حج فرد را بر هم بزند و یا او را به پرداخت کفاره ملزم، و در بعضی موارد به انجام دوباره حج مجبور کند. سؤال اساسی در این عرصه این است که فلسفه حرمت این محرمات چیست؟ آیا اصل در حرمت این محرمات تعبد صرف است یا اینکه هر یک از محرمات احرام یا مجموعه آنها می‌تواند نقش تربیتی و تزکیه‌ای در حج‌گزار داشته باشد؟

اصل مسلم این است که محرمات احرام تنها امر تعبدی نیستند؛ بلکه در ورای این محرمات، اهداف ارزشمند و معقول تربیتی و اصلاحی نهفته است. اگر چه در این عرصه، روایات خاص این موضوع بسیار کم است، ولی با توجه به عمومات اخبار و روایاتی که در فلسفه و اسرار مناسک حج وارد شده، می‌توان گفت ترک محرمات احرام می‌تواند در کنترل و تربیت قوا و غرایز انسان نقش موثری داشته باشد.

در این مقاله برآنیم با روش تحلیل محتوایی، به بررسی فلسفه و اسرار محرمات احرام و نقش آنها در تربیت و کنترل قوا و غرایز حج‌گزار بپردازیم؛ تحلیل محتوا، فن پژوهشی برای ربط دادن داده‌ها به مضمون آن، به گونه‌ای معتبر است (قائدی و گلشنی، ۱۳۹۵ ش، ص ۷۳) و هدف آن شناخت محتوای متن و پیام، استنباط مفاهیم و برداشت مخاطبان از پیام و پیش‌بینی آثار محتوا بر مخاطبان است (همانجا).

بر اساس بررسی‌ها، پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است؛ اگر چه در عرصه اسرار حج آثار مختلفی به رشته تألیف در آمده که به اسرار حج پرداخته‌اند و در ضمن آنها به اسرار محرمات احرام به صورت کلی اشاره بسیار مختصری شده است، اما بررسی هر یک از محرمات احرام و تحلیل محتوای آنها و تأثیر تربیتی و کنترلی آنها بر حج‌گزار بررسی نشده است. ما در این مقاله این مهم را مورد مذاقه قرار می‌دهیم.

یافته‌های این پژوهش باعث آگاهی به فلسفه و اسرار حج؛ به ویژه درک فلسفه محرمات احرام می‌شود و ذهن انسان‌های پرسشگر را متقاعد می‌سازد و حج‌گزاران را با معرفت کامل به ادای مناسک دعوت می‌کند.

مفهوم‌شناسی احرام

«احرام» (به کسر همزه) مصدر «أَحْرَمَ، يَحْرِمُ، إِحْرَامًا» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۲۰؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۱۳۶)، در لغت به معانی مختلف آمده است. بعضی احرام را به معنای «منع» (همانجا) و برخی دیگر به معنای «دخول در حرم»، «دخول در شهر مکه» یا «دخول در حرمتی که هتک آن روا نیست» دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۲۰).

احرام در اصطلاح به گونه‌های مختلفی تعریف شده است؛ بعضی از فقها، احرام را مرکب از نیت، تلبیه و پوشیدن لباس دانسته‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، صص ۷۰-۶۹؛ نجفی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۸، صص ۲۳۰-۱۹۹). عده‌ای دیگر احرام را همان تلبیه و نیت شمرده‌اند (ابن البراج، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۲۵۷).

قول دیگر احرام را همان نیت می‌داند (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، صص ۳۰۸-۳۰۷؛ شهید اول، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۸۸؛ شهید ثانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۵؛ خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴۷۸).

یکی از مهم‌ترین اقوال در تعریف احرام، قول به تحقق احرام با ترک محرّمات است (شهید اول، ۱۴۱۴ق، ص ۳۸۹؛ حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، صص ۳۶۰-۳۵۸؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۱۲).

محتوای محرّمات احرام

۱. کنترل و تربیت غریزه جنسی

یکی از مهم‌ترین غرایز انسان که لازمهٔ ساختمان روح اوست، غریزهٔ جنسی است. این غریزه، به خودی خود، نه ارزش اخلاقی مثبت دارد و نه ارزش اخلاقی منفی. وجود این میل و کشش، نه خوب است و نه بد؛ به عبارت دیگر، ارزش اخلاقی ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ش، ص ۲۶۵). آنچه در محدودهٔ اخلاق قرار می‌گیرد و بار

ارزشی خواهد داشت، کیفیت و کمیت ارضای این میل است؛ یعنی اینکه انسان این میل را چگونه، چه مقدار و با چه نیتی ارضا کند؟

بر اساس آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام اگر ارضای این گزینه به طور صحیح و مطابق دستور خداوند انجام گیرد، دارای ارزش اخلاقی مثبت خواهد بود. قرآن کریم از وجود این میل در انسان یاد کرده، فرموده است:

محبت امور مادی، از [قبیل] زنان و فرزندان و اموال فراوان از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است [تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند؛ ولی] اینها وسایل گذران زندگی دنیاست [و هدف نهایی نیست]، و سرانجام نیک [و زندگی والا و جاویدان]، نزد خداست (آل عمران، ۱۴).^۱

تعبیر «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ» می‌رساند، میل به کامجویی و لذت‌طلبی از غرایز انسان است و شهوت جنسی، از میل به لذت‌طلبی سرچشمه می‌گیرد و از غرایز انسان است. این گزینه به دنبال جلب مشتهیات نفس است و آنچه را برای نفس لذت آفرین است، دنبال می‌کند، ولی این میل قابل هدایت و تربیت است و می‌تواند تحت کنترل عقل و شرع قرار گیرد؛ از این رو، بلافاصله در آیه بعد می‌فرماید:

بگو: آیا شما را از چیزی آگاه کنم که از این [سرمایه‌های مادی]، بهتر است؟ برای کسانی که پرهیزکاری پیشینه کرده‌اند، [و از این سرمایه‌ها، در راه مشروع استفاده می‌کنند] در نزد پروردگارشان، باغ‌هایی بهشتی است که نهرها از درختانش می‌گذرد. جاودانه در آن خواهند بود و همسرانی پاکیزه، و خوشنودی خداوند [نصیب آنهاست]؛ و خدا به [اعمال] بندگان با ایمان، بیناست (آل عمران: ۱۵).^۲

از عباداتی که در کنترل و تربیت گزینه جنسی می‌تواند نقش ایفا کند، حج خانه خداست. حج گزار با احرام، بهره‌بری‌های جنسی را که برای او مباح بود، بر خود حرام می‌کند. فلسفه این تحریم را باید در بُعد تربیتی آن جست‌وجو کرد.

۱. ﴿زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَ...﴾
۲. ﴿قُلْ أَأَنْبِئُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكَُمُ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ...﴾

محمد بن سنان از امام هشتم، علی بن موسی علیه السلام درباره علت حج پرسید، حضرت فرمود: «علت حج، میهمانی به سوی خداوند... و باز داشتن نفس از شهوت‌ها و لذت‌ها... و باز داشتن نفس از فساد است» (شیخ صدوق، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۴۰۴).^۱

در این روایت، امام هشتم علیه السلام فلسفه حج و حرام کردن بعضی امور را نقش بازدارندگی و کنترل میل به کامجویی بیان کرده و نتیجه، آن را حفظ نفس انسان از افتادن در فساد شمرده‌اند.

یکی از محرمات احرام، هرگونه روابط جنسی حتی با همسر است که قرآن کریم از آن با عنوان «رفث» یاد کرده است: ﴿فَمَنْ قَرَضَ فِيهِنَّ الْحُجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحُجِّ﴾ (بقره: ۱۹۷).

علاوه بر این آیه، صحیحۀ معاویة بن عمار (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۳۸)^۲ و اجماع فقهای امامیه بر حرمت آن دلالت دارد (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۱۷؛ مفید، ۱۴۱۵ق، ص ۲۲۵-۲۲۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۴۰؛ ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۲۲).

کنترل غریزه جنسی و شهوت‌گرایی یکی از محوری‌ترین اهداف محرمات احرام است؛ به گونه‌ای که برای جلوگیری از تداعی روابط جنسی، اتفاق افتاده در حال احرام، دستور ویژه صادر شده است.

علی بن ابی حمزه از امام کاظم علیه السلام در مورد فردی که در حال احرام با همسر خود نزدیکی کرده، سؤال می‌کند که تکلیف او چیست؟ حضرت بعد از بیان کفاره این عمل در جهت بازدارندگی و کنترل غریزه جنسی آنها می‌فرماید:

از مکانی که این عمل اتفاق افتاده، جدا می‌شوند تا به مکه برسند و اعمال خود را تکمیل کنند و سال بعد حج خود را اعاده کنند. علی بن ابی حمزه سؤال می‌کند: «آیا وقتی به مکه رسیدند آن زن همسر اوست، مانند قبل؟» حضرت فرمود: «بله، اما اگر به مکانی که این عمل از آنان صادر شد (همین سال و در سال

۱. «أن علة الحج الوفادة إلى الله تعالى و...».

۲. «إِذَا أَحْرَمْتَ فَعَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ و...».

بعد) باز گردند، باید از هم جدا شوند تا از احرام خارج گردند. پدرم این گونه می فرمود. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۷۴).^۱

اما اگر در سال دوم از مسیری رفتند که به محلی که مرتکب حرام شده بودند برخورد نکردند، جدایی لازم نیست (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۲۹)

بسیاری از فقها به وجوب این افتراق فتوا داده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۵۰؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۹۴). بعضی از فقها در هر دو حج؛ چه حج امسال و چه آینده که باید حج خود را تکرار کنند، افتراق را لازم شمرده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۵۰؛ صاحب ریاض، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۳۷۲). از فحوای روایت و کلام فقها چنین بر می آید که افتراق زوجین محرم برای بر طرف کردن زمینه تداعی کامجویی و کنترل غریزه جنسی است.

همچنین در اکثر روایات در مورد لمس، تقبیل و نگاه به همسر، قید «بشهوة» آورده شده است. مانند روایت معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام:

از حضرت در مورد محرمی سؤال کردم که به همسرش نگاه کرده و انزال صورت گرفته و یا مذی از او خارج شده؟ فرمود: «چیزی بر او نیست...»، و اگر او را حمل کرده، بدون قصد شهوت انزال صورت گرفته و یا مذی از او خارج شده؟ حضرت فرمود: «چیزی بر او نیست و اگر او را حمل کرده و یا مس کرده، همراه با شهوت پس از او منی یا مذی خارج شده، باید قربانی کند.» گفت: محرم به همسرش نگاه با شهوت می کند و انزال صورت می گیرد تکلیف او چیست؟ فرمود: «بر او قربانی است.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۷۵).^۲

روایات زیادی در این زمینه وارد شده که نگاه کردن، لمس کردن و بوسیدن در حال احرام را مقید به همراه بودن با شهوت کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۷۷ - ۳۷۵). اما در صورتی که همراه با شهوت نباشند، حتی اگر منجر به خروج منی هم شود، کفاره‌ای

۱. «و يَفْتَرِقَانِ مِنَ الْمَكَانِ الَّذِي كَانَ فِيهِ مَا كَانَ حَتَّى يَنْتَهِيَا إِلَى مَكَّةَ وَ عَلَيْهِمَا الْحُجُّ مِنْ قَابِلٍ لَا بُدَّ مِنْهُ قَالَ: ...».

۲. «سَأَلْتَهُ عَنْ مُحْرِمٍ نَظَرَ إِلَى امْرَأَتِهِ فَأَمْنَى أَوْ أَمْدَى وَ ...».

بر عهده محرم نیست. از تحلیل محتوای این احکام می توان گفت یکی از ابعاد تربیتی بعضی از محرّمات احرام، تسلط بر رفتارها و حتی تصورات جنسی زائر برای کنترل لذت طلبی انسان و تربیت غریزه جنسی است.

۲. کنترل و تربیت غریزه خشم و قوه غضب

یکی دیگر از اموری که در انسان وجود دارد، قوه غضبیه و غریزه خشم است. اگرچه این قوه و غریزه، به خودی خود مذموم نیست، اما کنترل نکردن آنها مذموم و ناپسند است و انسان را به شقاوت ابدی می کشاند (نراقی، بی تا، ج ۲، ص ۲۸۸). روایات زیادی از معصومین علیهم السلام در مذمت غضب و کنترل نکردن غریزه خشم نقل شده است. در احادیث و روایات، غضب به عنوان کلید هر شرّ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۰۵)، میراننده قلب (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۰۲) و فاسدکننده ایمان بیان شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۰۲). از منظر محقق نراقی، نتیجه غضب، گشوده شدن زبان به فحش، ناسزا، سب، سرزنش و تمسخر دیگران است (نراقی، بی تا، ج ۲، ص ۲۹۱).

این قوه و غریزه می تواند مورد تربیت قرار گیرد و به حد اعتدال برسد. حج و بعضی از محرّمات احرام؛ مانند ترک جدال، ترک فسق، ترک صید و ترک حمل سلاح، می توانند در کنترل و تربیت غریزه خشم و قوه غضبیه مؤثر باشند. قرآن کریم می فرماید: ﴿وَلَا فُسُوقٌ وَلَا جِدَالٌ فِي الْحُجِّ﴾ (بقره: ۱۹۷). فسوق صیغه مبالغه فسق، به معنای خارج شدن از اطاعت خداوند است. وقتی خرما از غلاف و جلد خود خارج می شود، گفته می شود «فسق الرطب عن حشره»؛ مانند اینکه فسق از طاعت خدا خارج می گردد (سبحانی، ۱۳۸۵ش، ج ۳، ص ۳۳۹).

در اینکه حقیقت «فسوق» چیست چند قول وجود دارد: شیخ صدوق و پدرش مراد گفته اند: مراد از فسوق کذب است (شیخ صدوق، ۱۴۱۵ق، ص ۲۲۲؛ علوی عاملی، ۱۱۱۰ق، ج ۳، ص ۴۲۳) ابن جنید و سید مرتضی کذب و سب را از فسوق شمرده اند (ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۲۱؛ علوی عاملی، ۱۱۱۰ق، ج ۳، ص ۴۲۳) علامه حلی دروغ، سب

و مفاخره را فسوق می‌داند (علوی عاملی، ۱۱۱۰ق، ج ۳، ص ۴۲۳) و ابن عقیل هر لفظ قبیح را فسق دانسته است (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۸۵؛ علوی عاملی، ۱۱۱۰ق، ج ۳، ص ۴۲۳).

در روایات هم دلالت فسوق بر اقوالی که ذکر شد، وجود دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۳۸؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۳۸).

بعضی از فقها در جمع بین اخبار، معتقدند فسوق عبارت است از دروغ، سب و مفاخره (سبحانی، ۱۳۸۵ش، ج ۳، ص ۳۴۵).

بنابراین، «ولا فسوق» یعنی هرگونه طغیانگری از دستورهای الهی و تجاوز به مرزهای الهی؛ مانند دروغ، دشنام دادن و پرخاشگری به دیگران در حال احرام، حرام است؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت صیانت از زبان، پیام اصلی این بخش از آیه برای حج گزار است؛ همان‌طور که امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا أَحْرَمْتَ فَعَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ... فَإِنَّ مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ أَنْ يَحْفَظَ الْمَرْءُ لِسَانَهُ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۳۸).

همچنین ترك جدال می‌تواند در جهت کنترل غریزه خشم مؤثر باشد (ولا جدال فی الحج) (بقره: ۱۹۷)؛ یعنی حج گزار نباید با دیگران برای اثبات عقیده و سخن خود پرخاشگری و دشمنی کند و قسم بخورد؛ زیرا چنین عملی باعث خروج از طاعت خدا می‌شود؛ به قرینه روایت ابوبصیر که در آن آمده است:

«إِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ مَا كَانَ فِيهِ مَعْصِيَةٌ» (حرّ عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۴۶۶).

«جدال حرام در جایی است که معصیت خداوند باشد.»

ظاهر آیه، عمومیت جدال است و هر مخاصمه‌ای را شامل می‌شود؛ اما در روایات معصومان علیهم السلام به نزاع همراه با قسم به «لا والله» و «بلی والله» مقید شده است (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۴۶۶). البته بعضی از فقها قسم به سایر اسمای مقدس پروردگار را هم مشمول همین حکم می‌دانند (سبحانی، ۱۳۸۵ش، ج ۳، ص ۳۷۱).

بنابراین، خداوند برای قطع ریشه پرخاشگری و نزاع، به انسان‌هایی که برای تمرین بندگی خدا مُحَرَّم می‌شوند، دستور می‌دهد باید برای کنترل قوه غضبیه خود

ترک جدال و فسوق را در فرصت حج تمرین کنند تا بتوانند در سایر اوقات زندگی بر خشم خود مسلط شوند؛ همان طور که در حدیث شبلی، امام سجاده علیه السلام فرمود:

هنگامی که لبیک گفتی [و به احرام در آمدی] نیت کردی که برای اطاعت خدای سبحان سخن بگویی و از هر گناه و معصیتی سکوت کنی؟ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، صص ۱۶۷ - ۱۶۶).^۱

از دیگر محرمات احرام، حمل سلاح، جز در موارد ضروری است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۲۲؛ ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۲۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۹۷؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۴۸)؛ همان طور که روایات بر این موضوع تصریح دارند (حرّ عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۵۰۴).

از آنجا که از نظر روانی، انسان مسلح احساس قدرت می کند و این امر زمینه ساز تحریک قوه غضبیه و غریزه پر خاشگری اوست، مسلح بودن در حال احرام زیننده کسی نیست که به حرم امن الهی پا می گذارد. در حال احرام باید تکیه به سلاح و ابزار مادی قطع شود؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «و بر زاد، مرکب، یاران، قدرت و جوانی و مالت اعتماد نکن؛ زیرا ممکن است همه اینها تبدیل به دشمن و وبال تو شوند.» (جعفرین محمد علیه السلام، ۱۴۰۰ق، ص ۴۷).^۲

۳. کنترل و تربیت میل به خودنمایی و زینت گرایی

یکی از گرایش ها و تمایلات انسان، گرایش به زیبایی است که از نیازهای دیگر انسان مستقل است؛ هر چند که غالباً با آنها توأم است.

استفاده از بوی خوش یا دیدن رنگ زیبا یا تصویر چشم نواز و یا درک جمال های معنوی و زیبایی های ادبی، در زمره نیازهای طبیعی انسان نیستند. این گونه لذت ها تحت عنوان زینت کردن و تجمل می گنجد (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ش، ص ۲۷۵).

۱. «فَإِذَا لَبَّيْتَ نَوَيْتَ أَنَّكَ نَطَقْتَ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ...».

۲. «وَلَا تَعْتَمِدْ عَلَى زَادِكَ وَرَاحِلَتِكَ وَأَصْحَابِكَ...».

البته بین زینت و جمال تفاوت ظریفی وجود دارد. زینت از امور عرضی است، ولی جمال از ذات شیء است.

قرآن کریم به این میل فطری توجه کرده و ملاک حسن استفاده از زینت‌ها را ارتباط دادن آنها با خدا و مبدأ و معاد شمرده است (کهف: ۷؛ ملک: ۵).

اما از آنجا که طبیعت انسان بر خودنمایی و نمایش دادن زینت‌هاست و اغلب موارد هم در غیر از مسیر مرضی الهی است، در بعضی موقعیت‌ها استفاده از آن زینت‌ها برای او حرام گردیده است. این امر بدان جهت است که گرایش فطری انسان هدایت شود؛ هم در جهت «ارتباط در نتیجه» و هم در جهت «ارتباط در انگیزه عمل».

منظور از ارتباط با خدا در نتیجه عمل، این است که در ترک زینت‌ها برای انسان تحول مثبت ایجاد شود و اما منظور از ارتباط در انگیزه عمل این است که انگیزه انسان در ترک زینت‌ها، پیروی از دستورات الهی و آداب اخلاقی باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ش، ص ۲۷۷). پس حرمت سرمه کشیدن و نگاه کردن در آینه (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۵۶)، حرمت زینت کردن زنان، (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۱۸؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۴۴)، حرمت پوشیدن زیور و انگشتر برای زینت (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۵۰)، حرمت استفاده کردن از بوی خوش، حرمت خوردن غذای معطر، حرمت روغن مالی به بدن (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۵۳) و... در حال احرام؛

اولاً: برای جهت دادن به ارتباط در نتیجه است تا تحولات مثبتی در حالات حج گزار ایجاد کند،

ثانیاً: برای هدایت انگیزه انسان در عمل است تا از حرمت چند روزه این امور در حال احرام یاد بگیرد که این زینت‌ها تبدیل به جمال شود و استفاده از این موارد را چنان بر اساس دستورهای الهی و اخلاق جهت دهد که از عرضی به ذاتی تبدیل شوند.

حرمت چند روزه بعضی امور که از زینت‌ها محسوب می‌شوند، به حج گزار می‌آموزند که این زینت‌ها در مرحله اول باید به جمال و کمال نفس تبدیل شوند و از

ظاهر به باطن نفوذ کنند. همچنین این درس را برای حج گزار دارد که گرایش‌های انسان نیاز به تربیت و هدایت در جهت صحیح دارند و اگر این هدایت صورت نگیرد، به انحراف کشیده می‌شوند و در مسیر غیر مرضی پروردگار مصرف می‌شوند.

۴. کنترل گرایش تشخیص طلبی

پوشیدن لباس دوخته و گذاشتن کلاه بر سر برای مردان، از ویژگی‌های تشخیصی است. لباس به انسان شخصیت می‌دهد و او را از دیگران متمایز می‌سازد. یکی از آثار لباس، پاسخگویی به نیاز آدمی به آراستگی و تشخیص است. لباس فرد را از سایر افراد متمایز می‌سازد و معرف شخصیت اوست. هر صنفی لباس مخصوصی از جهت رنگ و فرم برای خود انتخاب می‌کند که معرف افراد آن صنف است. در همان صنف هم افراد بر اساس سلیقه خود، ویژگی‌هایی را برای لباس خود در نظر می‌گیرند که آنها را از سایر هم‌صنفان متمایز کند و آنان را به «من» تبدیل نماید. اینها همه دال بر تأثیر لباس بر تشخیص انسان‌هاست و لباس می‌تواند حس تشخیص طلبی انسان‌ها را ارضا کند. اما در حج، لباس احرام، افراد را از «من» خارج، و به «ما» تبدیل می‌کند.

حج گزار باید از ظاهر خود آغاز کند؛ لباسی را که عمری به آن عادت کرده و با آن تشخیص یافته، از تن بیرون بیاورد و از تشخیص خود جدا شود.

کلاه و سرپوش، یکی دیگر از تشخیص‌های انسان است که با احرام باید آن را از سر بر گیرد. باید از لباس ظاهر بگذرد تا به لباس باطن که تقواست، برسد: «ای فرزندان آدم، لباسی برای شما آفریدیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شماست؛ اما جامه پرهیزکاری بهتر است.» (اعراف: ۲۶).^۱

دکتر شریعتی درباره «درهم ریختن تشخیص با لباس احرام» می‌گوید:

باید لباس عوض کنی. لباس! کفن پوش. رنگ‌ها را همه بشوی!

۱. «یا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي...».

سپید بپوش، سپید کن، به رنگ همه شو، همه شو، همچون ماری که پوست بیندازد، از «من بودن» خویش بدر آی، مردم شو. ذره‌ای شو، در آمیز با ذره‌ها، قطره‌ای گم در دریا؛ «نه کسی باش که به میعاد آمده‌ای»، «خسی شو که به میقات آمده‌ای»، «بمیر پیش از آنکه بمیری»، جامهٔ زندگیت را بدر آور، جامه مرگ بر تن کن، اینجا میقات است... (تحلیلی از مناسک حج، ۱۳۹۶ش، ص ۳۷)

این لباسی که عیوب ظاهری او را می‌پوشاند و در همه عمر فرد را به خود مشغول کرده و چه بسا لباس ریا و نفاق شده است، باید از تن حج‌گزار بیرون شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

بهترین لباس تو لباسی است که تو را از یاد خدا باز ندارد. بلکه تو را به یاد خدا و شکر خدا و طاعت خدا نزدیک کند و تو را به عجب، ریا و تجمل‌گرایی و تفاخر سوق ندهد که این امور از آفات دین و بر جای گذارنده قساوت قلب است (جعفر بن محمد علیه السلام، ۱۴۰۰ق، ص ۳۱).^۱

۵. آموزش پاسداشت طبیعت و حیوانات

از محرّمات احرام صید حیوانات خشکی و کندن گیاهان حرم است. اگر برای دین پوسته و هسته‌ای قائل شویم، بی‌گمان ترک آزار و اذیت سایر موجودات جزو هسته دین به شمار می‌آید. استاد شهید مطهری می‌گوید:

ترک آزار و اذیت جاندارها و تحمل آزار و بالآخره سلم بودن در مقابل جاندارها و حرب نبودن و اعلام سلام و امن بودن، از فلسفه‌های اجتماعی و اخلاقی احرام می‌باشد (مطهری، ۱۳۸۴ش، ص ۱۲۴).

حرمت شکستن درخت یا کندن هر گیاهی که در حرم روئیده، قداست نباتات را برای حاجی مجسم می‌سازد و او را با گیاهان، صلح و آشتی می‌دهد و بدین گونه نباتات را از دست یازیدن هوس‌بازانه وی ایمن می‌دارد. در حقیقت، تحریم صید و قطع گیاه حرم، تمرینی برای تربیت حج‌گزار است تا با طبیعت، که ملک خداست،

۱. «وَ خَيْرُ لِبَاسِكَ مَا لَا يَشْغَلُكَ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بَلْ يُقَرِّبُكَ مِنْ ذِكْرِهِ وَ...».

رفتاری مهربانانه داشته باشد و محیط زیست خود و منابع طبیعی جهان و کشور خود را نابود نسازد و همان طور که حضرت علی علیه السلام فرموده است: «در میان بندگان خدا و سر زمین‌های خدا تقوا را رعایت کنید. شما مورد سؤال قرار خواهید گرفت، حتی از مکان‌ها و حیوانات» (سید رضی، بی‌تا، ص ۲۴۲).^۱

قرآن کریم در آیه ۹۵ سوره مائده، از مؤمنان می‌خواهد که در حال احرام از صید پرهیزند و هر کس عمداً مرتکب چنین عملی شود، باید این عمل خود را جبران کند و با هدیه قربانی به کعبه، سزای عمل زشت خود را ببیند و چنانچه این عمل را تکرار کند، از او انتقام گرفته می‌شود. این حکم هم از نظر کمی و همچنین از نظر کیفی، به موضوع حمایت از محیط زیست توجه داده است.

۶. مبارزه با ناز پروردگی

از دیگر محرمات احرام، سایه گرفتن بر سر (استظلال) برای مردان است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۱۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۴۰). از فلسفه‌های حرمت در سایه بودن به هنگام احرام برای مردان، رهایی از ناز پروردگی و ریاضت نفس است و حس مقاومت در برابر سختی‌ها را در انسان تقویت می‌کند (مطهری، ۱۳۸۴ش، ص ۸۸) حضرت علی علیه السلام درباره تربیت نفس به وسیله تحمل سختی‌ها می‌فرماید:

من نفس خود را با پرهیزگاری می‌پرورانم تا در قیامت که هراسناک‌ترین روزهاست، در امان، و در لغزشگاه‌های آن ثابت‌قدم باشد (سید رضی، بی‌تا، ص ۴۱۷).^۲

غزالی، حج و ترک محرمات آن را ریاضت نفس شمرده، می‌گوید: «اما طبیعت نفس اماره راحت طلبیدن است، و ریاضت وی گرسنگی، بیداری و تحمل سختی‌ها است و اینها در سفر حج بسیار است» (غزالی، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۲۳۵).

۱. «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبَقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ».

۲. «إِنَّمَا هِيَ نَفْسِي أَرَوْضَهَا بِالتَّقْوَىٰ لِتَأْتِيَ آمَنَةً يَوْمَ الْخَوْفِ الْأَكْبَرِ وَ تَثْبُتَ عَلَىٰ جَوَانِبِ الْمَزَلِقِ...».

در روایات، تحمل گرما توسط حج گزار سبب پاک شدن گناهان معرفی شده است. عبدالله بن مغیره به امام هشتم علیه السلام عرض کرد:

«من گرمایی هستم و تحمل گرما برای من سخت است. آیا جایز است سایه بر سر بگیرم؟» امام هشتم علیه السلام فرمود: «أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الشَّمْسَ تَغْرُبُ بِذُنُوبِ الْمُحْرِمِينَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۵۰).

از این رو، حج و محرمات آن را ریاضت انتخابی شمرده‌اند. مقام معظم رهبری در باره نقش حج و محرمات آن می گوید:

آدم وقتی در روایات و اعمال حج نگاه می کند، می بیند اصلا برای این است که انسان برود آنجا ریاضت بکشد. اصلا حج جای خوشگذرانی نیست... آنجا باید مُغبرّالوجه و مغبرّالشعر باشد. آفتاب روی انسان را بسوزاند و موهایش را ژولیده کند... (خامنه‌ای، ۱۳۸۷ش، صص ۱۷۳ - ۱۷۲).

از این روست که خداوند همه تکالیف را در حج جمع کرده است.

۷. تربیت حس مالکیت جویی و تصرف مطلق

از گرایش‌های ریشه‌دار در وجود انسان، حس تملک و تصاحب اشیا و امور برای خود است. او می‌خواهد حس سیری‌ناپذیر خود را با تصاحب قدرت، ثروت و مالکیت ارضا کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، صص ۲۸۵ - ۲۸۴). روشن است که این گرایش نیز به کنترل و تربیت نیاز دارد. برای هدایت و کنترل حس مالکیت طلبی و تصرف بی‌قید و شرط، اموری در حال احرام حرام شده تا به انسان‌ها گوشزد کند که تصرفات توبی‌حساب و مطلق نیست، حتی تصرف انسان در بدن خودش نیز مطلق نیست. کندن مو از بدن، (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۲۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۴۵)، خون در آوردن از بدن (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، صص ۸۰ - ۷۸)، گرفتن ناخن (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۲۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۵۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۵۵) و کندن دندان (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۳۵؛ حلبی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۰۴؛ ابن‌براج، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۲۴) در حال احرام حرام است.

همان گونه که روزه دار به هنگام روزه، از خوردن چیزهایی که در تملک او است، پرهیز می کند تا نفس خود را تمرین دهد که از خوردن مال دیگران پرهیزد، حج گزار نیز باید تمرین کند که از تصرف، حتی در بدن خود، بدون اذن الهی خودداری نماید، در وجود خود هم با یاد خدا و اجازه پروردگار تصرف کند. نگاهش به اعضا و جوارح خویش نیز نگاه به ملک خدا باشد. در این صورت احرام واقعی محقق شده است. از این رو، می توان گفت احرام دو گونه است: احرام حاضر و احرام غایب. کسی که در لباس احرام، مالکیت خدا را بر هستی باور نکرده، او محرم غایب است؛ اما آنکه عالم را محضر خدا، و همه هستی را ملک خدا بداند، ولو بیرون از احرام باشد، او احرام حضور بسته است (فعالی، ۱۳۸۳ش، ص ۳۰۷).

۸. خود مهارگری جهت تربیت نفس

اصطلاح خود مهارگری، در متون دینی، «تقوا و خویشن داری» یا «کنترل نفس» نامیده می شود. این اصل نه تنها در متون دینی عامل مهمی در تضمین سعادت انسان دانسته شده، بلکه در علم روان شناسی نیز «خود مهارگری»^۱ در آینده فرد، عاملی سرنوشت ساز شمرده شده است. محقق نراقی گوید:

هر نفسی در مبادی آفرینش، از جمیع صفات و ملکات خالی است؛ مانند صفحه ای که ساده از نقش و صورت باشد و حصول ملکات و تحقق صفات به واسطه تکرار اعمال و افعال مقتضیه آنهاست و هر عملی یک مرتبه سر زد، اثری از آن در دل حاصل، و در مرتبه دوم، آن اثر بیشتر می شود تا بعد از تکرار عمل، اثر مستحکم و ثابت می گردد (نراقی، ۱۳۷۹ش، ص ۲۲).

در روایات معصومان علیهم السلام خود مهارگری جایگاه ویژه ای دارد. امام صادق علیه السلام فرموده است: «هر کس هنگام رغبت، ترس، علاقه، خشم و خشنودی نفس خود را کنترل کند، خداوند آتش دوزخ را بر جسم او حرام خواهد کرد.» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۰۰).^۲

1. self - control

۲. «مَنْ مَلَكَ نَفْسَهُ إِذَا رَغِبَ وَإِذَا رَهَبَ وَإِذَا اشْتَهَى وَ...».

یکی از راه‌های خود مهارگری، کنترل نگاه است. در حج، این کنترل نگاه در مردان بسیار جدی‌تر مطرح گردیده است؛ زیرا خداوند در غیر حج به زنان سفارش می‌کند که صورت و کفین خود را هم از نامحرم بپوشانید، اما در حال احرام، پوشاندن قرص صورت برای زنان (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۷۹۰؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۵۱). همچنین پوشاندن دستها به وسیله دستکش حرام است (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۴۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۰۲). در حال احرام مردان باید خود مهارگری بیشتری داشته باشند؛ زیرا زمینه نگاه فراهم‌تر است و پوشش قبل وجود ندارد و جاذبه برای نگاه بیشتر می‌شود. بنابراین، مردان باید با مهار نگاه‌های خود، نفس خویش را کنترل و تربیت کنند. پس در حال احرام خطاب **﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾** (نور: ۳۰) اهمیت بیشتری دارد.

استاد شهید مطهری می‌گوید: «بخشی از فلسفه محرمات؛ مانند ترک لذت، برای درک لذت [بالا تر و متعالی] و ترک لذت، همان هجرت از لذات بدنی است» (مطهری، ۱۳۸۴ش، صص ۱۲۴ - ۱۲۳).

اگر لذت ترک لذت بدانی شهوت نفس لذت نخوانی

(سعدی، ۱۳۷۵ش، ص ۷۴۲).

در راه عشق به خدا باید از دیگر عشق‌ها گذشت. شهوت با دلدادگی به خدا قابل جمع نیست. از هر چیز یادآور شهوت باید گذشت.

هر که را ذوق دین پدید آید شهد دنیاش کی لذت آید

(مولانا، ۱۳۸۴ش، ص ۲۹۹).

۹. تمرین خضوع، تواضع و شکسته‌نفسی

مراد از انکسار نفس و خودشکنی این است که انسان بدون اینکه خود را با دیگران مقایسه کند، خود را کوچک و پایین بشمارد و خودپسند و از خود راضی نباشد (نراقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴۳). خودشکنی، منشأ و مبنای تواضع است و بدون آن،

تواضع محقق نمی‌شود. بنابراین، آنچه در باب فضیلت و منزلت تواضع بیان شده، همگی بر فضیلت خودشکنی نیز دلالت دارد و شاید به همین دلیل است که در آیات و روایات، بیشتر بر «تواضع» تأکید شده است و از انکسار نفس و کوچک شمردن خود کمتر سخن به میان آمده است (نراقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴۳)؛ زیرا انکسار نفس، مقدمه لازم برای رسیدن به تواضع است، ولی در منابع به ذی‌المقدمه پرداخته‌اند. وقتی فرد به ذی‌المقدمه می‌رسد، مقدمه را هم تحصیل کرده است.

علی علیه السلام در خطبه متقین، یکی از صفات انسان‌های متقی را انکسار نفس نزد پروردگار، و سپس تواضع نزد بندگان خدا بیان کرده و فرموده است:

برای خدا به اعمال پاکیزه اقدام می‌کنند و نزد خدا از اعمال کم خود راضی نمی‌شوند؛ اعمال خوب خود را زیاد نمی‌شمارند؛ نفس خود را متهم می‌دانند و از اعمال خود ترسانند. اگر کسی از آنان تمجید کند، از آنچه درباره او می‌گویند می‌هراسد و درباره خویش می‌گوید: «من نسبت به خودم از دیگران آگاه‌ترم و خداوند از من به من آگاه‌تر است. خدایا! مرا به آنچه می‌گویند مؤاخذه نکن و مرا بهتر از آنچه می‌گویند قرار ده!» (ابن شعبه حرانی، بی‌تا، ص ۱۵۹؛ سید رضی، بی‌تا، ص ۳۰۳، خطبه ۱۹۳).

یکی دیگر از محرمات احرام، پوشیدن کفشی است که روی پا را بپوشاند. مرد حج گزار با پوشیدن احرام، کفش و چیزی را که پای او را بپوشاند، بر خود حرام می‌کند؛ پابره‌نه می‌شود؛ زیرا پابره‌نگی نزدیک‌ترین حالت به تواضع و انکسار نفس است. از این روست که معصومین علیهم السلام هنگام ورود به حرم امن الهی پابره‌نه می‌شدند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۹۸؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۶).

حج گزار با تمرین پابره‌نگی، می‌کوشد نفس خود را تربیت کند تا ملکه تواضع در او ایجاد شود، در مقابل پروردگار عالم خضوع و خشوع پیدا کند و با بندگان خدا از در صدق و صفا وارد شود.

امام سجاد علیه السلام به شبلی فرمود: «هنگامی که لباس دوخته از تن در آوردی، نیت کردی که از ریا و نفاق و وارد شدن در شبهات جدا شوی؟» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۲۱۱).^۱

۱. «فَجِئِن تَجَرَّدْتَ عَنْ حَيْطِ رِيَاءِكَ نَوَّيْتُ أَنَّكَ تَجَرَّدْتَ مِنَ الرِّيَاءِ وَ...».

نتیجه گیری

از آنچه ارائه شد، می توان به این نتیجه دست یافت که گرچه تعبد در احکام و مناسک حج یکی از اهداف خداوند است تا بدین وسیله بندگان خود را امتحان کند. اما بُعد تربیتی و مهارگری حج و مناسک آن، به ویژه محرمات احرام نباید مورد غفلت قرار گیرند. بدیهی است، هر یک از محرمات احرام نقش تربیتی و کنترلی بر نفس حج گزار دارند و در یک عرصه ریاضت انتخابی او را آب دیده می کنند تا بعد از حج بتواند با ثمرات حاصل شده با هر نوع وسوسه مبارزه کند؛ چنان که در روایات علامت قبولی حج را دوری از آنچه قبل از حج مرتکب می شد بیان کرده اند.

منابع

- *. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۱. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، جامعه مدرسین.
 ۲. ابن براج، قاضی عبد العزیز (۱۴۰۶ق)، المهذب، تصحیح: جمعی از محققین، جامعه مدرسین.
 ۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (بی تا)، تحف العقول، قم، انتشارات اسلامی.
 ۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، تصحیح جمال الدین میردامادی، بیروت، دار الفکر.
 ۵. بهاری همدانی، محمد (۱۳۶۱ش)، تذکرة المتقین، تهران، نور فاطمه.
 ۶. جعفر بن محمد رضی الله عنه (۱۴۰۰ق)، مصباح الشریعة، بیروت، اعلمی.
 ۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق)، وسائل الشیعه، آل البیت رضی الله عنهم، قم.
 ۸. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، تصحیح: علی هلالی و علی سیری، بیروت، دار الفکر.
 ۹. حکیم، سید محسن طباطبایی (۱۴۱۶ق)، مستمسک العروة الوثقی، قم، مؤسسه دار التفسیر.

۱۰. حلبی، تقی‌الدین بن نجم‌الدین (۱۴۰۳ق)، الکافی فی الفقه، تصحیح رضا استادی، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۷ش)، صحیفه حج ۲، مرکز تحقیقات حج، تهران، مشعر.
۱۲. خویی، سیدابوالقاسم موسوی (۱۴۱۰ق)، المعتمد فی شرح المناسک، مقرر: سیدرضا موسوی خلخالی، منشورات مدرسه دار العلم - لطفی.
۱۳. سبحانی، جعفر (۱۳۸۵ش)، الحج، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۴. سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۷۵ش)، کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، مقدمه، تعلیقات و فهارس بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، ناهید.
۱۵. سید رضی، محمد بن حسین (بی‌تا)، نهج البلاغه، صبحی صالح، قم، هجرت.
۱۶. شریعتی، علی (۱۳۹۶ش)، تحلیلی از مناسک حج، تهران، سپیده باوران.
۱۷. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۴ق)، غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد، قم، تصحیح رضا مختاری، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۸. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۱۹. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۵ق)، المقنع، قم، مؤسسه امام هادی علیه السلام.
۲۰. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۶ق)، علل الشرائع، قم، کتابفروشی داوری.
۲۱. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، جامعه مدرسین، قم.
۲۲. طباطبایی حائری، سیدعلی بن محمد (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل، قم، مؤسسه آل‌البت علیهم السلام.
۲۳. طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸ق)، مجمع البحرین و مطلع النیرین، تحقیق سیداحمد حسینی، ایران، الثقافة الإسلامیه.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الاحکام، قم، جامعه مدرسین.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط، تصحیح سیدمحمدتقی کشفی، تهران، المکتبه المرتضویه.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دار الکتاب العربی.

٢٧. طوسی، محمد بن حسن (١٤٠٧ق)، الخلاف، قم، انتشارات اسلامی.
٢٨. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (١٤١٤ق)، تذکرة الفقهاء (ط - الحدیث)، قم، آل البيت عليه السلام.
٢٩. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (١٤١٣ق)، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، قم، انتشارات اسلامی.
٣٠. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (١٤١٢ق)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیه.
٣١. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، نهاية الأحكام فی معرفة الأحكام، قم، آل البيت عليه السلام.
٣٢. علوی عاملی، میر سید احمد (١١١٠ق)، مناهج الأخیار فی شرح الاستبصار، قم، اسماعیلیان.
٣٣. علی، جواد (١٩٧٦م)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، بیروت، دار العلم للملایین.
٣٤. غزالی، محمد (١٣٨٠ش)، کیمیای سعادت، تهران، قلم.
٣٥. فاضل هندی، محمد بن حسن (١٤١٦ق)، کشف اللثام و الإیهام عن قواعد الأحكام، قم، انتشارات اسلامی.
٣٦. فعالی، محمد تقی (١٣٨٣ش)، اسرار عرفانی حج، مشعر، تهران.
٣٧. قائدی، محمدرضا و علیرضا گلشنی (١٣٩٥)، مجله روشها و مدل های روان شناختی، سال هفتم، شماره ٢٣
٣٨. کلینی، محمد بن یعقوب (١٤٠٧ق)، الکافی (ط - الإسلامیه)، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
٣٩. محقق حلّی، جعفر بن حسن (١٤٠٨ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تصحیح عبدالحسین محمد علی بقال، قم، اسماعیلیان.
٤٠. مصباح یزدی، محمد تقی (١٣٩٣ش)، انسان سازی در قرآن، قم، مؤسسه امام خمینی.
٤١. مطهری، مرتضی (١٣٨٤ش)، حج، صدر، تهران.
٤٢. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (١٤١٣ق)، المقنع، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
٤٣. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المقنعة، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.

۴۴. مولانا، جلال‌الدین محمد (۱۳۸۴ش)، کلیات شمس تبریزی، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران، دوستان.
۴۵. نجفی، محمدحسن (۱۴۲۱ق)، جواهر الکلام فی ثوبه الجدید، تصحیح جمعی از پژوهشگران مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
۴۶. نراقی، مولی احمد (۱۴۱۵ق)، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، قم، آل‌الیت.
۴۷. نراقی، مولی احمد (۱۳۷۹ش)، معراج السعادة، تهران، اعلمی.
۴۸. نراقی، مولی محمد مهدی (بی‌تا)، جامع السعادات، نجف، دار النعمان.
۴۹. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، آل‌الیت علیهم‌السلام.
۵۰. هاشمی خویی، حبیب‌الله و همکاران (۱۴۰۰ق)، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، تهران، مکتبة الإسلامية.
۵۱. یزدی، سید محمد محقق داماد (۱۴۰۱ق)، کتاب الحج، مقرر عبدالله جوادی آملی، قم، چاپخانه مهر.